

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پژوهشکده زبان‌شناسی  
گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی

پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد / دکتری رشته فرهنگ و زبان‌های  
باستانی

بررسی، آوانویسی و ترجمه‌ی فارسی متن پهلوی اشکانی رساله‌ی مانوی موعظه‌ی  
روح

استاد / استادان راهنما:  
دکتر زهره زرشناس

استاد / استادان مشاور:  
دکتر فرزانه گشتاسپ

پژوهشگر:

آزاده بلبل تویسرکانی

بهمن ماه ۱۳۹۵

«دو»

باسمه تعالی

« فرم اعلام آمادگی برای دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد »

استاد محترم راهنما

یا سلام و احترام،

تحقیق و تدوین پایان نامه تحصیلی اینجانب ..... دانشجوی رشته ..... -

با عنوان .....

.....

که زیر نظر آن استاد محترم و با مشاورت استاد ..... به انجام رسیده، برای استحضار تقدیم می‌گردد.

شماره تماس دانشجوی: ..... تاریخ: ..... امضاء دانشجو:

ریاست محترم پژوهشگاه

باسلام؛ ضمن تأیید کیفیت علمی و صحت مطالب پایان نامه مذکور و با اعلام کفایت تحقیق، قابلیت پایان نامه را برای دفاع اعلام می‌دارم.

نام و نام خانوادگی استاد راهنما: ..... تاریخ: ..... امضاء استاد راهنما:

مدیریت محترم تحصیلات تکمیلی پژوهشگاه

باسلام؛ با عنایت به مراتب فوق، در صورتی که دفاع ایشان بلا مانع باشد، درباره تشکیل جلسه دفاع اقدام گردد.

داور خارجی: ..... تلفن تماس: .....

تلفن تماس استاد راهنما: .....

تلفن تماس استاد مشاور: .....

نام و نام خانوادگی رئیس پژوهشگاه: ..... تاریخ: ..... امضاء

امور محترم پژوهشی دانشجویان

برگزاری جلسه مشروط به نظر داوران و مجوز امور آموزش می باشد.

امور محترم آموزش و آزمون

کارنامه تحصیلی نامبرده تهیه شود.

مدیر تحصیلات تکمیلی

# انقلاب و ما؛ امروز

پس از حمد و ثنای بی‌پایان بر آستان یگانه‌ی بی‌همتا و سپاس فراوان از راهنمایی‌ها و زحمات استاد محترم و گران‌قدرم سرکار خانم دکتر زهره زرشناس که از ابتدای راه و در طی انجام این پژوهش، با رهنمودهای ارزشمندشان، مرا در تدوین این اثر یاری نمودند؛ همچنین با قدردانی از استاد بزرگوار، سرکار خانم دکتر فرزانه گشتاسپ، به خاطر سعه‌ی صدر و راهنمایی‌های دلسوزانه‌شان و نیز سرکار خانم دکتر پریسا درخشان‌مقدم که زحمت داوری این اثر را برعهده گرفته‌اند، ماحصل ماه‌ها تلاش مستمر خود را در حالی عرضه می‌دارم که مسؤولیت کلیه‌ی مطالب را برعهده گرفته و عزیزانی را که از اندیشه‌ها، نظرات و راهنمایی‌های بی‌شائبه‌شان بهره گرفتم از آفات این تحقیق، مبرا می‌دانم.

با سپاسی خاضعانه از همسر عزیزم که با بردباری‌اش در تمامی لحظات، رفیق راهم بود؛ از فرزند دلبندم که کاستی‌ها و خستگی‌هایم را عاشقانه پذیرا شد و در لحظه‌ی لحظه‌ی تحصیل، همراه و هم‌قدمم بود و از پدر و مادر دلسوز و بی‌ماندم که همواره بر کوتاهی و درشتی من، قلم عفو کشیده، بزرگوارانه از کنار غفلت‌هایم گذشته‌اند و در تمام عرصه‌های زندگی، یار و یابوری بی‌چشم داشت برای من بوده‌اند.....

در این مجال، بر خود لازم می‌دانم از راهنمایی‌های دوست نازنین و فرزانه‌ام سرکار خانم دکتر کتابیون مایر، استاد دانشگاه کارلرزروهه‌ی آلمان و نیز یاری‌های برادرانه‌ی جناب آقای محمد امامی ملک‌شاه، صمیمانه قدردانی نمایم که همواره مشتاقانه، مزاحمت‌های گاه و بی‌گاهم را با سعه‌ی صدر، گشاده‌رویی و فروتنی پذیرا بودند و از هیچ کمکی در این عرصه بر من دریغ ننمودند.

در پایان، از مدیر محترم پژوهشگاه، گروه زبان‌شناسی، گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی، کلیه‌ی استادان گران‌قدرم، مسؤولین، کارکنان محترم دانشکده و سایر کسانی که در تدوین این تحقیق مرا یاری نمودند سپاسگزار و از خداوند منان سلامت و سعادت یکایک ایشان را خواستارم.

آزاده بلبل تویسرکانی

به همسر مهربانم که امید بودنم است و پناه خستگی هایم،

و

به خورشید زندگیم، فرزند دلبندم،

که در حضورش، ترنم هزار بهار جاریست.....

## چکیده:

بررسی حاضر، بر پایه‌ی پژوهش‌های ارزشمند ورنر زوندرمان، ایران‌شناس برجسته‌ی آلمانی، به انجام رسیده است. «خطابه‌ی روح»، از مهم‌ترین آثار منثور ادبیات مانوی به شمار آمده و در سنت مانوی شرقی از ارزش به‌سزایی برخوردار است. رساله‌ای جامع، حاصل همیاری و کوشش گسترده‌ی دانشمندان برجسته‌ای چون هنینگ، بویس، تسیمه و در راس آنان، زوندرمان، در راستای بازسازی و مطابقت حدود شصت قطعه‌ی پراکنده و ناقص به زبان‌های پهلوی اشکانی (پارتی)، سغدی و ترکی باستان. این اثر، حاوی بیش از سی نسخه‌ی خطی بوده که الهام‌بخش آثار مانوی و حتی سروده‌های چینی است. صرف‌نظر از اهمیت این رساله در حوزه‌ی زبان و زبان‌شناسی، این اثر، همچنین مهم‌ترین مسایل حوزه‌ی جهان‌بینی مانوی را به مدد تمثیل‌هایی کوتاه و دلنشین که به اذعان زوندرمان، از شاه‌کارهای تمثیل‌پردازی به شمار می‌روند، به شیوایی و سادگی چشم‌گیری بیان می‌کند. مسایلی از قبیل تأکید بر هویت روح، روح زنده و پنج عنصر روشنی به مثابه‌ی پنج ایزد به دام افتاده در کالبد دنیوی و همراهی آن‌ها با پنج عنصر تاریکی و نیز کوشش در راستای دستیابی به معرفت به عنوان یگانه راه نجات و رستگاری.

## فهرست مطالب:

۱	پیشگفتار.....
۶	فصل اول: کلیات.....
۷	- تعریف مسأله یا بیان مشکل.....
۷	- اهمیت و ضرورت انجام این پژوهش .....
۷	- اهداف پژوهش .....
۸	- قلمرو پژوهش .....
۸	- سؤال‌های پژوهش .....
۸	- فرضیه‌های پژوهش .....
۹	- پیشینه‌ی پژوهش .....
۹	- جنبه‌ی جدید بودن و نوآوری پژوهش .....
۹	- روش انجام پژوهش .....
۹	- فنون و ابزارهای گردآوری اطلاعات.....
۱۰	- فنون و روش تجزیه و تحلیل اطلاعات.....
۱۱	فصل دوم: حرف‌نوشت.....
۱۲	- حرف‌نوشت متن.....
۵۴	فصل سوم: آوانوشت.....
۵۵	- آوانوشت متن.....
۶۴	فصل چهارم: برگردان.....
۶۵	- برگردان متن.....
۷۶	فصل پنجم: پی‌نوشت.....

- ۷۷.....پی‌نوشت متن -
- ۱۹۰.....نتیجه‌گیری
- ۱۹۱.....متن نتیجه‌گیری
- ۱۹۳.....کتابنامه
- ۲۰۱.....نشانه‌ها و کوتاه‌نوشتها
- ۲۰۲.....واژه‌نامه
- ۲۰۳.....ترتیب حروف واژه‌نامه
- ۲۰۴.....واژه‌نامه‌ی متن



## پیشگفتار:

هویت، ویژگی‌ای برگرفته از گذشته و حال است. سرگذشت گذشتگان، آداب و رسوم فرهنگ آن‌ها و تاثیرات آن بر زندگی کنونی، هویت یک ملت را به وجود می‌آورد که همانا عامل متمایزکننده‌ی جوامع بشری بوده و هم از این روست که شناخت هویت هر جامعه، برای آن جامعه از ضروریات به شمار می‌رود. اساطیر، ادیان، زبان‌ها، تاریخ، هنر و ادبیات، از جمله مهمترین مولفه‌های شناساندن هویت هر جامعه هستند. ایرانیان که بی‌تردید، آفرینندگان یکی از کهن‌ترین و غنی‌ترین تمدن‌ها و فرهنگ‌های بشری بوده‌اند، از این جنبه، از گونه‌گونی بسیاری برخوردار هستند و از این رو، برای شناخت هویت ایرانی، صرف‌نظر از مطالعه‌ی تاریخ و سرگذشت پیشینیان، بررسی ادبیات و آثار مکتوب ایرانی نیز ضروری می‌نماید. آن چه امروزه از گنجینه‌ی عظیم ادبیات ایران زمین باقی مانده، سرمایه‌ی شگرف و گران‌سنگی است که صدها دانشمند با تحمل رنج‌های فراوان در قرائت زبان‌های باستانی ایران و ترجمه‌ی آثار گران‌بهای گذشته، به آن دست یافته‌اند. یکی از زیباترین و در عین حال پر رمز و رازترین عرصه‌های آثار ادبی ایران را آثار مانوی به خود اختصاص می‌دهند.

مانویت، در فاصله‌ی میان ظهور مسیحیت و اسلام پدید آمد، در مدت کوتاهی فراگیر شد و پیروانی پرشور و با اخلاق گرد آورد. این کیش، التقاطی است از اعتقادات صائبیان، بوداییان، زردشتیان و مسیحیان. اصول عرفانی و انسانی این آیین، علاقه‌ی فراوان مانی (بنیان‌گذار مانویت) و پیروان و شاگردان او به نگارش کتب و رسالات به زبان‌های مختلف و در آمیختن آن‌ها با هنرهای تجسمی آن دوران، به گسترش این آیین، شتاب بخشید و آن را از سوی شرق، تا چین و از غرب تا قلب اروپا پیش برد. حاکمان ایران و روم و سرزمین‌های دیگر، با مانویان از در خصومت در آمدند و دسته دسته آن‌ها را کشتند و سرانجام، محکمه‌ی تفتیش اروپا، آخرین گروه مانویان را در هزاره‌ی سیزدهم میلادی نابود ساخت.

بخش عمده‌ی تعالیم مانی، بر مسیحیت و زردشتی‌گری استوار است و در این آیین، نبرد میان روشنایی و ظلمت، نقش مهمی ایفا می‌کند. در مانویت، همچون سایر کیش‌های گنوسی، رستگاری روح نورانی انسان، پس از هبوط به دنیای مادی و گرفتار آمدن در چنگال نیروهای تاریکی و اهریمنی، گنوس یا آگاهی است. معرفتی به مدد شهود ناشی از جذب و اشراق.

دین مانی هر چند دینی اصیل نبوده و آمیخته‌ای است از تعالیم چند دین بزرگ؛ با این همه، از چند نظر از برخی ادیان دیگر ممتاز است. شخص مانی به نوشتن کتاب و به تصویر کشیدن تعالیم خود، اهمیت داده است. علاوه بر این، ادبیات مانوی انبوهی از کتاب‌های مختلفی است که به زبان‌های گوناگون به رشته‌ی تحریر درآمده‌اند. به همین جهت دین مانی، به لحاظ تنوع زبان متونش نیز جالب توجه است. متون مانوی به زبان‌های پارسی میانه، پهلوی، سغدی، چینی و اویغوری به نگارش درآمده‌اند. تصویرگری مانی و آثار به دست آمده در این زمینه (به ویژه کتاب ارژنگ) از امتیازات او محسوب می‌شود.

ادبیات مانوی به دو دسته‌ی متون مقدس و جز آن تقسیم می‌شود. ادبیات مقدس، شامل شش کتاب از هشت کتاب مانی است که به زبان آرامی شرقی، زبان مادری مانی، نوشته شده بود و در زمره‌ی متون مقدس مانویان و معتبر شمرده می‌شوند عبارتند از: ۱. انجیل زنده ۲. گنج زندگی ۴. رازان ۵. کوان ۶ دیوان ۷- مزامیر و نیایش‌ها. مجموعه‌ی رسالات مانی نیز از جمله متون مقدس به شمار می‌روند. ادبیات غیرمقدس شامل کتب گوناگونی است از جمله دو اثر دیگر که به مانی نسبت داده‌اند و بیرون از مجموعه‌ی رسمی و دینی قرار دارند. این دو اثر عبارتند از: شاپورگان و ارژنگ. نوشته‌های بزرگان مانوی که ادبیات غیرمعتبر مانویت را تشکیل می‌دهند نیز در این دسته گنجانیده می‌شوند. غیرمانویان نیز اطلاعات ارزشمندی درباره‌ی دین مانی و کتاب‌های او در اختیار ما نهاده‌اند. این افراد یا به قصد مخالفت، آثاری را تألیف کرده و در آن، از مانی و دین او سخن رانده‌اند (مانند مسیحیان و زرتشتیان) و یا تنها به قصد گزارشی بی‌طرفانه، دست به چنین کاری زده‌اند (مانند نویسندگان مسلمان).

مانویت اساساً دینی مکتوب است. در میان ادیانی که مانی در ابداع خویش از آن‌ها بهره جست، هیچ‌یک همچون دین او آثاری مکتوب نداشتند که به دست بانیان آن دین نوشته شده باشد. بودا، زرتشت و عیسی درباره‌ی دین خود چیزی ننوخته بودند؛ اما مانی، نظام عقیدتی قابل فهمی از تلفیق آراء این ادیان، مکتوب کرد. او در به کارگیری ابزار زبان‌شناختی خود نیز (تا آن‌جا که به زبان‌های ایرانی، چون پارسی میانه و پهلوی مربوط می‌شد) نوآور بود. به طور کلی اعتماد فوق‌العاده‌ی مانی و پیروانش به سنت نوشتاری و خلق آثار مکتوب در تاریخ باستان، امری کاملاً استثنایی بود؛ زیرا اندیشمندان عهد کهن، وثوق سنت شفاهی را بیشتر می‌دانستند. بنابر گفته‌ی دانش‌نامه‌ی بزرگ زرتشتیان، کتاب دیککرد، اهمیت کلام شفاهی بی‌تردید بیشتر از نوشتار است. تاکید بر سنت شفاهی در نوشته‌های افلاطون و اندیشه‌ی سقراط نیز دیده می‌شود. از این لحاظ، انبوه نوشته‌های مانی در میان ادیان دیگر، به او ویژگی خاصی می‌بخشد. مانی مخترع خطی جدید نیز بوده دارای حروف مصوته، که کتاب‌های مانویان پارتی، پارسی و سغدی زبان و غیره به آن خط که مشتق از سریانی و ساده‌تر از آن است، نوشته شده است.

از دست‌نوشته‌های ارزشمند و گوناگون مانی، تنها تعدادی اندک بازمانده است. نوشته‌های بزرگان مانوی نسبتاً بیشتر شناخته شده است تا نوشته‌های خود او. مکتوبات وی، اساساً از طریق متون مکشوف در تورفان، واقع در آسیای میانه، در آغاز سده‌ی گذشته و یافته‌های فیوم<sup>۱</sup> در مصر در ۱۹۳۰ به دست آمده است. در میان آثار مربوط به شرح حال اولیا و قدیسان باید مجموعه دست‌نوشته‌های مانوی کلن را نام برد، که ترجمه‌ای یونانی از اصل سریانی و مربوط به سده‌ی پنجم میلادی است. این مجموعه که

<sup>۱</sup> استان قیوم، یکی از استان‌های کشور مصر است. این استان، واحه‌ای واقع در بیابان و مرکز آن، شهر فیوم است. شهر فیوم به دو محله اصلی بخش شده که کانالی به نام بحر یوسف آن دو را از هم جدا می‌کند. شهر جدید فیوم در ۱۲ کیلومتری جنوب شرقی شهر فیوم و در بیابان نقولن قرار گرفته است. نام فیوم، برگرفته از زبان قبطی و به معنی دریاچه است.

بخش اعظم آن از میان رفته است در یونان در منطقه‌ای به نام اکسیرینخوس<sup>۲</sup> کشف شد. مجموعه‌های دیگری از مواعظ، اشعار و سرودها نیز در دست است.

بررسی آثار ایرانی مانوی که معرف و دربردارنده‌ی رسوم، باورهای فرهنگی و دینی مانویت است، ضمن آشنایی هر چه بیشتر با جهان‌بینی مانویان، همچنین به جهت مشتمل بودن بر مطالب تاریخی در نخستین سده‌ی ظهور این آیین در شرق، افقی تازه در زوایای بعضا پنهان تاریخ، پیش روی علاقمندان می‌گستراند تا بدین وسیله بتوانند تحلیلی صحیح و نقادانه از تاریخ مکتوب آن زمان ارائه دهند.

پژوهش حاضر، در میان آثار ارزشمند ادبی بر جای مانده از مانویت، به بررسی یکی از مهم‌ترین آن‌ها، به اذعان ایران‌شناسان برجسته، یعنی رساله‌ی «خطابه‌ی روح» می‌پردازد.

«خطابه‌ی روح» تاکنون تنها به زبان پارسی، سغدی و ترکی باستان و در سنت مانوی شرقی مستند شده است. از آن‌جا که نسخه‌ی پارسی (پهلوی اشکانی) این اثر، کهن‌ترین و سالم‌ترین نسخه‌ی این رساله به شمار می‌رود، به آسانی می‌توان آن را به عنوان منبع اصلی برای مطابقت نسخه‌های دیگر این رساله، مبنا قرار داد؛ به طور مثال، نسخه‌های پارسی و نسخه‌ی ترکی باستان که مکمل یک‌دیگر هستند را می‌توان با مبنا قرار دادن نسخه‌ی پارسی مورد تطبیق و بررسی قرار داد (بنگرید به توضیحات پارسی بخش ۲۲ و ۳۵-۴۳ و توضیحات تسمیه در بخش ضمیمه‌ی ۸ ترکی باستان رساله‌ی خطابه‌ی روح). هر چند نسخه‌ی ترکی، مفصل‌تر و پر شاخ و برگ‌تر از ورژن پهلوی اشکانی می‌نماید، اما به واقع، اطلاعات بیشتری و یا مهمتری از نسخه‌ی پارسی در اختیار نمی‌گذارند. همچنین، شایان توجه است که نسخه‌ی سغدی اثر نیز پذیرای همان عنوان پارسی *gy n wifr S* بوده و ظاهراً ترجمه‌ای از همان متون پارسی است.

حال در ادامه این پرسش طرح می‌شود که آیا نسخه‌ی پهلوی اشکانی، متن اصلی کار بوده یا آن که منبعی مفقود به زبان آرامی داشته است؟ به اذعان پروفسور زوندرومان، در این خصوص اطلاعی در دست نیست. زوندرومان پیش‌تر اعتقاد داشت نسخه‌ی پهلوی اشکانی، منبع اصلی رساله است اما متعاقب بررسی‌های بیش‌تر، متوجه برخی ویژگی‌های متون این بخش از رساله شد و فرضیه‌ی دیگری در خصوص وجود احتمالی منبعی آرامی (یعنی منبعی به زبان مادری مانی) برای این اثر، در ذهن وی قوت گرفت. دلایلی که او برای این فرضیه در نظر می‌گیرد به قرار زیر هستند:

نسخه‌ی پارسی، بند ۳۵ (به همراه توضیحات شماره‌ی ۹۶ در بخش پی‌نوشت): به کار رفتن واژه‌ی آب (b) در حالت جمع درست مانند صورت آرامی آن یعنی *mayy*. در سنت ایرانی زردشتی نیز آب به عنوان یک پدیده‌ی جمع مورد توجه قرار می‌گیرد.

نسخه‌ی پارسی، بند ۶۹ به همراه (به همراه توضیحات شماره‌ی ۱۶۳ در بخش پی‌نوشت): در این بخش نیز آتش، همانند آرامی، موجودی مونث فرض شده است.

<sup>2</sup> Oxyrhynchus

نسخه‌ی پارتی، بند ۷۴ (به همراه توضیحات شماره‌ی ۱۷۸ در بخش پی‌نوشت): واژه‌ی mwst به معنای «مومن، وارسته، پارسا و مذهبی» شاید برگردانی از واژه‌ی آرامی mħaiman «مومن، بنده‌ی امین، خواجه» باشد.

شواهد مذکور اما تنها در حد اشاراتی نامشخص هستند و به قدر کفایت، پرشمار و گویا نیستند که بتوان به مدد آن‌ها، وجود متن منبعی به زبان آرامی را برای رساله‌ی «خطابه‌ی روح» اثبات نمود. همچنین نشانه‌های دیگری نیز در متن وجود دارند که مطابقت برخی موارد مهم را با آرامی نقض می‌کنند. به طور مثال، شاهدی وجود ندارد که نفس زنده را همانند جنس دستوری واژه‌ی nafš در آرامی یا مانند آن چه در تصویر قبلی از روح، به عنوان دختر انسان اولیه (نخستین) قابل اثبات است، بتوان به مثابه‌ی موجودی مادینه در نظر گرفت.

برای «خطابه‌ی روح» در سنت مانوی غربی مشابهی غیر از بخش سی و هشتم کفالایای قبلی دیده نشده است. در بخش صد و نهم کفالایا نیز موتیف اصلی «خطابه‌ی روح» را که همانا پنج عنصر روشنی هستند، می‌توان یافت. در بخش مذکور، از پنج عنصر روشنی با عنوان پنج جامه‌ی انسان نخستین و پسران او یاد شده است.

از سویی دیگر در «خطابه‌ی روح»، شاهد یک الگوی مشخص زرتشتی نیز هستیم و آن، مقایسه‌ی پنج عنصر روشنی با پنج گاه اوستاست (بسنجید با بخش پهلوی اشکانی، بندهای ۳۲، ۴۶، ۶۵). با این حال، این موتیف زرتشتی اثبات نمی‌کند که «خطابه‌ی روح» در محیط ایرانی زردشتی به نگارش درآمده؛ بلکه بسیار بیشتر، بیان‌کننده‌ی این امر است که شخص مانی، در موطن اصلی خود، شناخت و اطلاعات بسیار خوبی از آیین زردشت در عنفوان جوانی کسب کرده. بسیاری از افکار و تمثیل‌های خطابه نیز بر خلاف آن چه مانویان اعتقاد دارند، سرشار از مفاهیم پرنشاط و سکولار و مملو از زمینی بودن و سرزندگی است. یاری ایزد باد و ایزد روشنی به هنگام زایش موجودات زنده و باروری گیاهان از آن جمله است (بسنجید با بخش پهلوی اشکانی، بندهای ۴۷، ۳۶-۳۹). یا در تمثیلی دیگر، با تصویری غیر مانوی از جامی شیشه‌ای مواجه هستیم که تنها پس از ریخته شدن شراب به درون آن است که رنگ و زیبایی می‌گیرد (پهلوی اشکانی، بند ۵۱). در هر حال به زعم زوندرمان، مفاهیمی از این دست را نمی‌توان متأثر از جو زرتشتی دانست، بلکه ممکن است چنین نمونه‌هایی از شکل‌گیری اثر در مناطقی همچون آسیای مرکزی و تحت شرایط ترجیح داده شده یک زمان و یک کشور که در آن مانویت، به عنوان دین رسمی پذیرفته شده، شکل گرفته باشد؛ به طور مثال در امپراطوری اویغور و یا دولت کوکو<sup>۳</sup> بود.

پرسش دیگری که در مواجهه با این اثر در ذهن متبادر می‌شود این است که آیا «خطابه‌ی روح» به عنوان یک اثر از نوشته‌های شخص مانی شناخته می‌شود یا خیر؟ تنها دلیل ممکن که زوندرمان در این خصوص بیان می‌کند، زنجیره‌ی پرسش‌های تمثیل مسافر بیگانه است: «از کجا آمده‌ای؟ به کجا می‌روی؟ به چه هدفی آمده‌ای؟ به کجا می‌روی و نامت چیست؟» (بخش پارتی، بند ۱۲). به نظر

<sup>3</sup> Qoco

زوندردمان، این زنجیره‌های پرسشی را می‌توان به سخنان مانی که در متن سغدی ضمیمه‌ی این اثر منتشر شده است ارجاع داد (So 14410 II). «کجایی تو؟ و از کجا برخاسته‌ای؟ (اهل کجا هستی؟) کارت در دنیا چیست؟» (بند ۱۵۵). اما باید این نکته را نیز یادآور شد که جمله‌بندی، عبارت و شیوه‌ی بیان، دقیقاً همانند نیستند. این که چه کسی «خطابه‌ی روح» را نوشته به چه زبانی؟ نمی‌توان با اطمینان کافی پاسخ گفت.

همان‌طور که پیش‌تر نیز ذکر شد، پژوهش پیش رو، به بررسی بخش پهلوی اشکانی رساله‌ی «خطابه‌ی روح»، که کهن‌ترین، محفوظ‌مانده‌ترین و از این رو مهم‌ترین نسخه‌ی «خطابه‌ی روح»، به اذعان زوندردمان است پرداخته و در این راستا، کلیه‌ی داده‌ها و یادداشت‌های این دانشمند برجسته نیز به زبان فارسی برگردانده شده است. شیوه‌ی کار این پژوهش تا حد زیادی مطابق با کار زوندردمان بوده و پژوهنده در رعایت امانت، از هیچ کوششی فروگذار نبوده است.

در بخش واژه‌نامه، برای اشتقاق واژگان، از کتاب‌هایی چون فرهنگ ریشه‌شناسی زبان فارسی تألیف دکتر حسن دوست، واژه‌نامه‌ی چونگ، گیلن، کتاب‌های استاد بزرگوار دکتر ابوالقاسمی در زمینه‌ی دستور تاریخی زبان فارسی و ماده‌های فعل فارسی دری و جزوه‌های درسی دوره‌ی کارشناسی ارشد مشتمل بر بررسی‌های ریشه‌شناسی استادان گران‌قدر استفاده شده و اگر در مواردی اندک، واژه‌ای فاقد بررسی اشتقاقی است، بدین معنا بوده که پژوهنده نتوانسته در منبعی قابل اعتماد، اشتقاق واژه را بیابد.

در همین بخش، ذیل هر واژه، بسامدی از آن در نسخه‌های پارسی رساله‌ی «موعظه‌ی روح» ارایه گردیده است. در این قسمت، ابتدا نام قطعه به صورت P1، H، P2 و به همین ترتیب تا نسخه‌ی P10 و پس از آن، شماره‌ی بند و سپس عناوین نسخه‌هایی که در آن‌ها، واژگان مذکور وجود دارند، ذکر شده است؛ به عنوان مثال واژه‌ی nxwyn:

**P1: 5 (M\_259c+\_M\_453c/ a/ r/ 1)**

بدین معنا خواهد بود که واژه‌ی یاد شده، در قطعه‌ی P1، بند ۵، نسخه‌ی M\_259c+\_M\_453c/ a/ r/ 1 که عنوان نسخه‌ی اصلی پارسی است، وجود دارد.

در این تحقیق، کلیه‌ی منابعی که زوندردمان در بخش پارسی از آن‌ها استفاده کرده، به رسم امانت، در انتهای کار، بخش کتاب‌نامه، ذکر گردیده است. منابع مذکور در متن یادداشت‌ها، به زبان فارسی برگردانیده و در صورت لزوم آن منابع در همان بخش، به صورت پاورقی و لاتین نیز گنجانیده شده و هر کجا منابع وی در ایران ترجمه شده است، مشخصات کامل کتاب یا مقاله‌ی ترجمه شده نیز در پاورقی، ذیل منبع لاتین، درج گردیده است.

در انتها، لازم به ذکر است که این بررسی، مشتمل بر یک پیشگفتار، بخش نشانه‌ها و کوتاه‌نوشت‌ها، سه فصل (شامل حرف‌نویسی، آوانویسی و برگردان متون نسخ اشکانی به همراه کلیه‌ی یادداشت‌های زوندردمان به زبان فارسی)، پی‌نوشت، واژه‌نامه (پهلوی اشکانی به فارسی شامل آوانویسی کلیه‌ی واژگان موجود در متن و شرح اشتقاقی و دستوری آن‌ها) و کتاب‌نامه است.

فصل اول

کلیات

## تعریف مسأله یا بیان مشکل

ادبیات مانوی، جزیی جدایی‌ناپذیر از ادبیات سه هزار ساله‌ی ایران است که از یک سو همانند سایر متون ادبی دوره‌ی میانه، هم‌چون پلی، ادبیات دوره‌ی باستان را به معاصر پیوند می‌دهد و از این منظر به لحاظ بررسی تکوین زبان و مسایل زبان‌شناسی تاریخی حایز اهمیت است و از سویی دیگر، صرف‌نظر از باورهای التقاطی، مذهبی و فلسفی، نوآوری‌های بارزی در آن به چشم می‌خورد که تا پیش از آن دوره و حتی در میان سایر متون ادبی دوره‌ی میانه نیز نمی‌توان ماندی برای آن یافت. آفرینش نخستین اشعار سپید ایرانی در حجمی وسیع، شاهدهی بر این مدعاست. ادبیات مانوی همچنین به لحاظ فرهنگی، تاریخی، هنری، عرفانی و دینی نیز حایز اهمیتی انکارناپذیر است.

متأسفانه به رغم اهمیت ویژه‌ی متون مانوی در گستره‌ی زبان، آرا و عقاید و نیز فرهنگ ایران، پژوهش‌هایی که در حوزه‌ی این متون انجام پذیرفته، از یک سو به جهت جامع نبودن و از سویی دیگر به سبب نگارش آن‌ها به زبان‌هایی غیر از فارسی، نیاز پژوهندگان فارسی‌زبان را به تمامی پاسخ‌گو نیست.

در این مجال، کوشش بر آن است تا در راستای هر چه غنی‌تر ساختن منابع در حوزه‌ی ادبیات مانوی، بخش پهلوی اشکانی رساله‌ی «خطابه‌ی روح»، که از مهم‌ترین منابع مانوی است، با بررسی موشکافانه‌ی نسخ و مقایسه‌ی زبان‌شناختی، واژه به واژه آوانویسی و معادل‌گزینی شده و در نهایت، جهت استفاده‌ی پژوهش‌گران و علاقمندان، از زبان پهلوی اشکانی به فارسی برگردانده شود. در انتها، واژه‌نامه‌ای الفبایی و بسامدی از پهلوی اشکانی به فارسی نیز تهیه و ارائه گردیده است.

## اهمیت و ضرورت انجام این پژوهش:

با عنایت به مواردی که شرح آن گذشت، ضرورت و اهمیت انجام پژوهش حاضر را می‌توان به اختصار، روشن ساختن بخش‌هایی از فرهنگ و تمدن کهن این مرز و بوم با استفاده از مسایل زبان‌شناختی، واژه‌سازی و واژه‌گزینی دانست.

## اهداف پژوهش:

کمک به ارتقای دانش علاقمندان و پژوهش‌گران حوزه‌ی فرهنگ و زبان‌های باستانی و علی‌الخصوص حوزه‌ی ادبیات مانوی، تلاش در راستای غنی‌سازی منابع حوزه‌ی مطالعات فرهنگی و زبان‌شناختی، به ویژه در حوزه‌ی متون مانوی، کوشش در راستای غنی‌سازی منابع تخصصی فرهنگ و

زبان‌های باستانی و به ویژه در حوزه‌ی متون مانوی به زبان فارسی، برای سهولت استفاده‌ی علاقمندان و پژوهش‌گران، آشنایی پژوهش‌گران و دانش‌جویان با شیوه‌ی کار دانشمندان بزرگ غرب و شرق در حوزه‌ی نسخ خطی و چگونگی گردآوری اطلاعات و نیز آشنایی علاقمندان با یکی از مهمترین آثار منشور ادبیات مانوی شرقی مشتمل بر بررسی‌های زبان‌شناختی را از جمله‌ی اهداف این پژوهش می‌توان برشمرد.

### قلمرو پژوهش:

الف) قلمرو مکانی: ایران بزرگ

ب) قلمرو زمانی: دوره‌ی ساسانی

ج) قلمرو موضوعی: زبان و ادبیات پهلوی اشکانی ترفانی

### سؤال‌های پژوهش:

پرسش در خصوص چیستی رساله‌ی «خطابه‌ی روح» و این که این رساله حول چه موضوعی بحث می‌کند؟ نویسنده یا نویسندگان نسخه‌ی اصلی رساله چه کسانی هستند و آیا می‌توان «خطابه‌ی روح را به مانی نسبت داد؟ زبان رساله، چه زبانی است؟ آیا بخش اشکانی رساله، منبع اصلی کل اثر (بخش‌های سغدی، پهلوی و ترکی باستان) است یا آن که خود منبعی دیگر داشته و این که متن به چه صورتی قرائت می‌گردد؟ همه و همه پرسش‌هایی هستند که در این بررسی بدان‌ها پاسخ داده می‌شود.

### فرضیه‌های پژوهش:

«خطابه‌ی روح»، رساله‌ای مدونی و مشتمل بر حدود شصت قطعه‌ی اشکانی، فارسی میانه، سغدی و ترکی باستان است که در نگاهی کلی، به جهان‌بینی مانوی و به ویژه مسأله‌ی روح یا به بیان دقیق‌تر، «نفس زنده»، با استفاده از بررسی انتقادی و زبان‌شناسانه‌ی نسخ خطی و موشکافی جزئیات آن نسخ، می‌پردازد. رساله، حاوی تمثیل‌هایی است که به جهت زیبایی و ارزش ادبی، می‌توان آن‌ها را نمونه‌هایی برجسته از ادبیات منشور مانوی دانست. لازم به ذکر است که به برخی فرضیه‌های پژوهش، پرسش‌ها و پاسخ بدان‌ها در بخش پیشگفتار پرداخته شده است.



در خصوص نحوه‌ی خوانش نیز پس از آوانویسی متن و مقایسه‌ی قرائت‌های گوناگون، خوانش مناسب با ترجمه‌ی فارسی انتخاب گردیده است.

### پیشینه‌ی پژوهش:

سرآغاز تحقیق در زمینه‌ی متون این رساله، به کوشش‌های ورنر هنینگ (Henning:1940) و مری بویس (Boyce: 1960)، دو دانشمند برجسته‌ی حوزه‌ی فرهنگ و زبان‌های باستانی ایران، برای گردآوری متون حاوی این رساله و انتشار آن با عنوان "مواهب روحانی" یا "the išn hr texts" باز می‌گردد. هنینگ و بویس پس از گردآوری مجموعه نسخ خطی، ویرایش کامل آن را وعده کردند که این وعده محقق نشد تا سرانجام ورنر زوندرمان (Sundermann: 1991) اقدامات ابتدایی دو دانشمند مذکور را تکمیل نمود و نام مجموعه را به «خطابه‌ی روح» یا "gy n wifr s" تغییر داد. گفتنی است که هنینگ، نخستین فردی بود که همتایی از این اثر به ترکی باستان ارایه نمود که پتا تسیمه (Peter Zime) کار بر روی آن قطعه را به عهده گرفت. اثر پیش رو، حاصل کار منسجم دانشمندان بزرگی چون هنینگ، بویس، تسیمه، بیلی، زوندرمان، ویدن‌گرن، یوشیدا، مکنزی، سیمزویلیمز و دیگر دانشمندان است.

### جنبه‌ی جدید بودن و نوآوری پژوهش:

متن پهلوی اشکانی «خطابه‌ی روح»، تا کنون آوانویسی و به زبان فارسی، برگردان و برای آن، واژه‌نامه‌ای به زبان فارسی تهیه نشده است.

### روش انجام پژوهش:

روش انجام پژوهش حاضر، تطبیقی – توصیفی بر پایه‌ی داده‌های کتابخانه‌ای است. در مواردی نیز از سایت‌های معتبر اینترنتی و هم‌فکری با اساتید آلمان، خصوصا در زمینه‌ی واژه‌گزینی استفاده شده است.

### فنون و ابزارهای گردآوری اطلاعات

عمده ابزار گردآوری اطلاعات برای تدوین پژوهش حاضر، فیش‌برداری از کتاب‌ها و مراجعه به مقالات گوناگون فارسی، آلمانی و فرانسه بوده است. در مواردی برای دریافت اطلاعات بیشتر در زمینه‌ی واژگان تخصصی آلمانی، ضمن مراجعه به سایت‌های معتبر اینترنتی و استمداد از دانش اساتید گرانقدر و ارجمندم سرکار خانم دکتر زهره زرشناس و سرکار خانم دکتر فرزانه گشتاسپ، که چون همیشه، مرا در به انجام رسیدن این مجموعه نیز یاری‌گر بودند، از راهنمایی‌های دوست فرزانه‌ام سرکار خانم دکتر کتایون مایر، استاد پیشین دانشگاه کارلروهی آلمان نیز بهره جستیم.

### فنون و روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

متعاقب فیش‌برداری از منابع گوناگون، کلیه‌ی یادداشت‌های ورنر زوندرمان و نیز کلیه‌ی متون پهلوی اشکانی رساله، آوانویسی و به زبان فارسی، برگردانیده شد. در پایان نیز واژه‌نامه‌ای بسامدی و دوزبانه ارائه گردیده است.

فصل دوم

حرف‌نوشت

## متون اصلاح شده و گردآوری شده‌ی «خطابه‌ی روح»، بخش پهلوی اشکانی

### حرف نوشت متون:

#### ۱. سرفصل‌های متون پارسی و سغدی (H)

- 1 d /v/ \* gy'n \* /r/ \* wyfr(s \*)<sup>1</sup>
- 2 e /v/ (\* br) hry 'y(r \*) /r/ \* wyfr(s \*)<sup>2</sup>
- 1 o /v/ [\* gy]n (\*) /r/ (\*) wyf(r)[s \*]<sup>3</sup>
- 1 s /v/ \* gyn[ \*] /r/ \* wyfrs \*<sup>4</sup>
- 1 u /v/ \* gyn[ \*] /r/ (\*) wyfrs [\*]<sup>5</sup>
- 1 x /v/ [\* g](y)y'n \* /r/ \* wyfr[s \*]<sup>6</sup>
- 3 ba II /r/ \* kyn w rs \*<sup>7</sup>  
II /v/ \* kyn w rs \*<sup>8</sup>
- 4 bf /v/ [ \* ]wnrm(y) /r/ (x)wyckw[k ]<sup>9</sup>

#### ۲. متون انتقادی پارسی

##### قطعه‌ی ۱ (P1)

<sup>۱</sup> نوشته‌های متن روی صفحه، به رنگ سیاه و پشت صفحه، به رنگ قرمز هستند.

<sup>۲</sup> نوشته‌های متن روی صفحه، به رنگ قرمز، پشت صفحه به رنگ سیاه هستند.

<sup>۳</sup> نوشته‌های متن پشت و روی صفحه به رنگ سیاه هستند.

<sup>۴</sup> نوشته‌های متن پشت و روی صفحه به رنگ سیاه هستند.

<sup>۵</sup> نوشته‌های متن پشت و روی صفحه به رنگ قرمز هستند.

<sup>۶</sup> نوشته‌های متن پشت و روی صفحه به رنگ آبی روشن هستند که روی صفحه، محوشدگی دارند. پیش از دومین لایه واژه‌ی gy n، یک حرف گرد نامفهوم که ممکن است یک y زینتی باشد به چشم می‌خورد، چنان که می‌توان به خوبی در این مورد، قرائت gyyn را از واژه داشت.

<sup>۷</sup> حاوی نوشته‌های سیاه رنگی است که حاشیه‌ی زینتی قرمز دارند.

<sup>۸</sup> حاوی نوشته‌های قرمز رنگی است که حاشیه‌های زینتی مشکی دارند

<sup>۹</sup> نوشته‌های متن پشت صفحه به رنگ سیاه، روی صفحه قرمز

5.a/r/1/[nxwyn šhrdyft bdyg](j)yry(f)/2/[hrdyg bwxtgyft cwhrwm hwn]sn  
 dyf/3/[pnjwm brng šhwm ršty](f) \*\*/4/[hftwm hmwdyndyft hštw ]m /5/  
 [drgmnyft nhwm rzwryf](t d)[s]wm/6/[qyrbgyft ywndsw](m hw)bsgyf /7/[  
 wd dwdyswm rwšn \* ](h)njft rw(c)<sup>10</sup>/8/[13-  
 15's](p)wr<sup>11</sup> \* pd dw'(d)[ys]/9/[14-16 p]whr<sup>12</sup> šyq [ \* ]  
 (یک سطر خالی)

6a /10/ [wcn hsyng \* s](xwn h)syng \* mwjdgdg/11/ [hsyng \* bhwm]b h(s)  
 [yn](g)\*\* jyryf /12/ [hsyng rš](t)[y](ft)[ hsy]ng \* frhyf /13/[hsyng \* w'wryft  
 h]syng \* 'spwryf /14/[hsyng \* wxšyft ]hsyn(g) \* drgmnyf  
 a /v/1/ hsy[ng rwšn hsyng cyhr 'spwryft]

7 a/2/ '(w)[rd<sup>13</sup> pd hrwyn 14-16 ]/3/ pd (h)[rwyn 18-20  
 ]/4/ dydn (gwn)[yg<sup>14</sup> 13-15 pd]/5/ hrwyn \* wy(br)[zg(?)<sup>15</sup> 11-13  
 ]/6/ pd [h]rwyn \* hw(..)[13-15 ]/7/(šn)w'g pd (h)[rwyn 12  
 14]/8/ [xw]j<sup>16</sup> pd hrwy(n)[ 13-15] pd /9/[h]rwyn \* mny(d) [ 11-13]  
 /10/ 'byd pd h(rwyn)[<sup>17</sup> 9-11]/11/ hrwyn \* (s)'twy(š)[n<sup>18</sup>7-  
 9]/12/ hrwyn \* p( ) [d]g[y](rb, ) [5-7]/13/ hrwyn \* cšm (b)[13-15]/14/  
 kyrbg pd hrw(y)[n 12-14]

<sup>10</sup> حرف c در انتهای سطر کشیده نوشته شده است.

<sup>11</sup> از حرفی که گمان می‌رود p باشد، تنها انتهای چپ قوس آن باقی مانده است.

<sup>12</sup> یا b]whr

<sup>13</sup> دو حرف پایانی واژه در نسخه M529/v/6 حفظ شده‌اند.

<sup>14</sup> تنها بخش‌های انتهایی حروف حفظ شده‌اند. حرف g را با تردید می‌توان به جای حروفی چون n یا p یا s در نظر گرفت.

<sup>15</sup> یا wybr zyd?

<sup>16</sup> انتهای یک حرف به صورت افقی از زیر خط زمینه قابل تشخیص است که می‌تواند مربوط به حرف X (یا K) باشد.

<sup>17</sup> بقایای علامتی که به جای مانده، مبهم هستند. اگر آن را بقایای حرف r در نظر بگیریم، فرض ما تنها به این صورت قابل تفسیر است که این حرف، به صورت نامعمولی به شدت متمایل به راست نوشته شده است. اما دلیلی که فرضیه‌ی ما را برای حرف r قابل بحث می‌کند، بقایای یک نقطه‌ی مشخص در سمت چپ علامت است.

<sup>18</sup> بقایای نوشته شده بر حاشیه‌ی صفحه را می‌توان در ساده‌ترین شکل تفسیر، صورتی به جای مانده از قوس راست حرف š تلقی کرد. این در حالی است که امکان در نظر گرفتن یک y باریک و کشیده را نیز نمی‌توان از نظر دور داشت که در این حالت، واژه‌ی (s)t wy(y)[d را بدون دلیل خاصی با دوبارنویسی y باید در نظر گرفت.

قطعه‌ی ۲ (P2)

8 b /r(?) /1/ [ 22-24 ](b)h(r)<sup>19\*</sup>/2/ [ 23-25 ](.)wyn \*/3/ [ 23-25 ](.)br/4/ [ 25-27 ]nd /5/[ 16-18 ](k)w mw(rd<sup>\*</sup>n)y/6/ [ 12-14 mr](dw)hm pwrś /7/ [ 14-16 ](rg)<sup>20</sup>[ ? ](s)t<sup>\*</sup>wš dyd/7a/ [ ](s)t<sup>21</sup>/8/[14-16 ](s)pyd<sup>22</sup> \* g'(m)/9/[ 11-13 ](.)[ 4-5 ](f)ry 'wd /10/[ 11-13 ]\* c[y] (k)dm'yr \* c(y)/11/[ 10-12 wy](nyn)d \* nxwšt wynynd/12/ [ 11-13 ](.)d \* 'wd w dyn<sup>23\*</sup> pd/13/ [ 10-12 ](y)d [ 2-3 ](d) g'yn pd /14/[ 11-13 ](.<sup>24</sup> \*) kw bwd h'ynd/15/ [ 10-12 y](w) c byd ywd (bw)d

9 b /v(?) /1/ (k)[rd]r<sup>25</sup> [ 19-21 ]/2/ bw(.) [ 18-20 ]/3/ qr(wg)[ 17-19 ]/4/ š(h)[ 22-24 ]/5/ qrw(g) 'wd (.)<sup>26</sup> 16-18 ]/6/ qyc n'm (.) [ 14-16 ]/7/ ymyc gy'([n 14-16 ]/8/ pydg c'(.)<sup>27</sup> 3-5](.) [1113 ] /10/ (c)r \* kw n'w(šg) (š) [tyndy 'wd]/11/ m' myryndy (\*) [ 13-15 ] /12/ xwmbwy \* mbrd(g) [ 10-12 ]/13/ myhrb'(n)[f]( )<sup>28</sup> [w]yndy( )<sup>29</sup> 9-11]/14/----<sup>30\*</sup> 'wd m' ( ) [ 9-11 ] /15/ cw'gwn (b)wd [ 9-11 ]

قطعه‌ی ۳ (P3)

10 c /r/1/ [ 17-19 ] k(m)[b] /2/[15  
d /r/1/ qmb qmb bwyyd\*  
e /r/1/ (kmb kmb bwy)d\*

<sup>19</sup> bhr یا بسط داده شده به صورت dbhr «خشم»، ywbhr «درد و رنج»؟

<sup>20</sup> mw(rd) یا mw(dr) در متن اصلی وجود ندارد. نقطه‌ی روی r، لکه‌ای روی کاغذ است که به سختی بتوان آن را بخش افقی انتهایی حرف k یا x تفسیر کرد. همچنین این نقطه را نمی‌توان بخشی از واژه‌ی [mr](dw)hm که در بالا و در سطور قبلی قرار دارد نیز تلقی نمود.

<sup>21</sup> پایان یک واژه که میان سطر هفتم و هشتم آورده شده است، چنان نزدیک به سطر هفتم، در زیر آن نوشته شده است که به زعم من، حروف آن، به سطرهای بالایی تعلق دارند و از این رو می‌توان آن را دنباله‌ی g(r) دانست.

<sup>22</sup> از حرف احتمالی s تنها لبه‌ی سمت چپ آن باقی مانده است.

<sup>23</sup> بدین ترتیب wdyn در دو واژه نوشته شده‌اند.

<sup>24</sup> نوک نیز بالای یک حرف g یا t

<sup>25</sup> نخستین حرف را می‌توان یک x نیز در نظر گرفت. بازسازی پیشنهادی من تنها در شرایطی که نوشتار، تنگ‌تر باشد امکان‌پذیر است.

<sup>26</sup> k یا x

<sup>27</sup> k یا x

<sup>28</sup> زیر حرف n یک نقطه وجود دارد؛ از این رو شاید خوانش myhrbnft<sup>۱</sup> بهتر از yft<sup>۲</sup> باشد. به نظر می‌رسد از حرف ۱ تنها بقایای انحنای بالایی آن باقی مانده باشد.

<sup>29</sup> مقایسه کنید با یادداشت ۳ ص ۲۲۰.

<sup>30</sup> در ابتدای سطر واژه‌ی myhr از بین رفته است.